

## چکیده :

رسول خدا (ص) نه تنها زنان را در جنگ ها شرکت می داد و به آنها نقش واگذار می کرد؛ بلکه از غنائم به دست آمده، برای آنان سهمی منظور می کرد؛ چنان که در غزوه خیبر (سال هفتم) ، بخشی از غنائم را میان ایشان تقسیم کرد. در غزوه بنی قریظه (سال پنجم) نیز، زنی به نام «نسیبه» حضور داشت و از غنائم سهمی برد.

از کنار هم گذاشتن گزارش ها در خصوص حضور زنان در جبهه های نبرد، چنین برمی آید که پیامبر به آن دسته از زنانی که داوطلب اعزام می شدند و مهارت لازم را برای کارهای جبهه، مثل مداوای مجروحان، آشپزی، دوختن مشک ها و . . . داشتند و از شجاعت لازم نیز برای حضور در صحنه جنگ برخوردار بودند، اجازه حضور می داد. تجربه از دیگر ملاک های شرکت در نبردها بود. با نگاهی به نام زنان حاضر در غزوات، این مطلب ثابت می شود که برخی زنان در چندین نبرد حضور داشته اند.

باری، زنان صدر اسلام با تأیید شخص رسول خدا (ص)؛ به ویژه برای مداوای مصدومان و مجروحان جنگ، به طور داوطلبانه رهسپار جبهه ها می شدند. غیر از نبرد بدر که گزارشی از حضور زنان در آن نشده و در ابتدا بنای بر نبرد با قریش نیز نبوده است، در غزوات دیگر بسته به اهمیت غزوه، گزارش هایی از شرکت زنان، و ایفای نقش مؤثر آنان، ارائه شده است. در منابع، دست کم نام ۳ زن در صحنه های نظامی دیده می شود که در ۱۲ غزوه حضور داشته اند. در این میان نبرد خیبر با شرکت حدود ۲۰ زن و غزوه احد با حضور ۱ زن، بیشترین مشارکت زنان را داشته است.

ام سلمه با شرکت در هشت غزوه (احد، خندق، خیبر، حدیبیه، فتح مکه، حنین، طائف و تبوک) بیشترین حضور را داشته است. ام عماره نیز با شرکت در هفت غزوه در رتبه دوم قرار دارد.

نام برخی زنان که در غزوات حضور داشته اند عبارتند از: حضرت فاطمه (س) ، عایشه، ام ایمن، حمّنه بنت جَحْش، سمیرا بنت قیس، نسیبه و ام سلیم، در نبرد احد، نفیسه و بحینه، دختران اُرت (الحارث) بن مطلب، ام حبیبه بنت جحش، خدیجه و هند، دختران حصین، ام عماره، صفیه، ام ایمن، ام سنان اسلمیه و ام سلیم در غزوه خیبر حضور داشتند. در این نبرد، گروهی از زنان بنی غفار نزد رسول خدا (ص) آمدند و اجازه شرکت خواستند که آن حضرت با حضور آنان موافقت نمود. از دیگر زنان نقش آفرین در عرصه نظامی، می توان از کعبه بنت سعد، صفیه بنت عبدالمطلب، ام عماره، ام سلیط، ام العلاء، سمیرا بنت قیس و مادر سعد بن معاذ یاد کرد که در نبرد با بنی قریظه به ایفای نقش پرداختند.

# فهرست

## Table of Contents

۱	چکیده :
۳	مقدمه:
۴	
۴	
۴	بخش اول؛ سابقه تاریخی حضور زنان در جنگ‌های صدر اسلام
۵	نقش مستقیم و حضور زنان در جنگ‌های صدر اسلام
۵	غزوه احد
۶	حضور زنان در جنگ خیبر
۷	
۷	حضور زنان در فتح مکه و جنگ حنین
۸	مشارکت زنان فداکار در امداد و پشتیبانی‌های جنگ‌های صدر اسلام
۹	تشویق مردان به جنگ
۹	کمک‌های نقدی به جبهه‌های جنگ
۱۱	زنان بیعت کننده با پیامبر (صلی الله علیه و آله)
۱۱	زنان مؤثر در اسلام آوردن مردان
۱۲	زنان شکنجه شده در راه اسلام
۱۴	مادران شهید راه اسلام
۱۵	
۱۵	زنان پرستار در جنگ های پیامبر
۱۶	زنان شاعر دوران پیامبر (صلی الله علیه و آله)
۱۸	منابع:

## مقدمه:

عصر نبوی، کاملترین دوره تاریخ بشری در ظهور و بروز الگوهای رفتاری است. حضور مبارک پیامبر اکرم (ص) که مثال عینی انسان کامل است اسوه و الگویی است که قرآن آن را اسوه حسنه معرفی می‌نماید. در طی ۲۳ سال تاریخ پرفراز و نشیب صدر اسلام، زنان و مردان بزرگی تربیت یافتند که هر یک در نوع خود بی نظیر بوده اند. حوادث و اتفاقاتی رخ داده است که شیوه رویارویی با آنها درس بزرگی برای امت پیامبر در عصرهای دیگر است از جمله موضوعاتی که طرح و تبیین آن موجب الگو برداری صحیح خواهد بود و ما را در مسیر صواب هدایت خواهد کرد؛ نقش زنان در عصر نبوی است. نقشی که بدون افراط و تفریط، شعارزدگی، سطحی نگری و استفاده ابزاری شکل گرفت و موجب تربیت زنانی بزرگ و نامدار شد. در این راستا توجه به نقش زنان در نظام دفاعی حکومت نبوی نشانگر عمق توجه پیامبر (ص) به توانمندی های زنان و فراهم ساختن بستر مناسب و طبیعی جهت شکوفایی توانایی های زنان است. زن صدر اسلام، با حفظ حدودی که خداوند برای او قرار داده بود، در صحنه های مختلف اجتماعی، سیاسی و نظامی حضوری فعال داشته و به عنوان عنصری کارآمد و مفید، در دفاع از اسلام و حکومت اسلامی نقش های مهمی را ایفا می کرد. حضور زنانی مانند نُسَیبه، جراحه و ام عطیه که در بسیاری از غزوات و جنگ های پیامبر (ع) حضور داشتند و عهده دار مسئولیت امداد بودند، راه را برای زنان امت اسلامی باز کرده که در صورت نیاز، می توانند با حضور مستقیم به عنوان پرستار و همچنین شرکت غیر مستقیم، مانند تشویق مردان برای رفتن به جبهه، فرستادن امکانات و کمک برای زرمندگان اسلاما قدام کنند. تحول و انقلاب عظیمی که دین اسلام در مردم آن زمان بوجود آورد، تنها مردان را در برنگرفت، بلکه از زنان نیز انسانهای فداکار و ایثارگر و با شهامتی ساخت که نقش بسزایی در پیروزی مسلمانان داشتند. با توجه به اینکه قوانین اسلام متناسب با ساختار وجودی مردان و زنان است، در شرایط مختلف جنگ، وظایف متفاوتی برای آنان تعیین نموده است. بیان نقش زنان در جنگهای صدر اسلام در زمان پیامبر (ص) می تواند راه گشای امت در شرکت هر چه بیشتر آنان در نبرد با استکبار جهانی باشد.

نکته ی قابل توجه این است که با بررسی روایات و متون تاریخی، به این نتیجه می رسیم که شرکت زنان در جنگ، یا به اجازه پیامبر اسلام (ص) بود یا حضور زنان مورد تأیید قرار می گرفت، و موردی نمی توان یافت که پیامبر (ص) زنان را از آمدن به جبهه نهی کند و یا از نیمه راه برگرداند یا آنکه از جبهه دور کند. مطالعه جنگهایی که در زمان پیامبر گرامی اسلام رخ داده است بیانگر این است که شرکت کننده در این جنگها، در زمینه های مختلف نقش آفرینی می کردند، و تمام این نقش آفرینی ها مورد تأیید پیامبر اسلام (ص) بعنوان مبلغ و مجری احکام ناب اسلامی نیز بوده است.



### بخش اول؛ سابقه تاریخی حضور زنان در جنگ‌های صدر اسلام

در بررسی پیشینه نقش و چگونگی و حدود حضور زنان در جنگ‌های صدر اسلام و تشریح مصادیق و نمونه‌ها و ذکر شواهد تاریخی به این نتیجه روشن می‌رسیم که از همان ابتدای دعوت و ترویج اسلام در شهر مکه، هجرت اولین مهاجران مسلمان به حبشه، محاصره مسلمین در شعب ابی‌طالب (ع)، هجرت پیامبر اکرم (ص) و مسلمین به مدینه، دعوت قبایل یهود مدینه و بت‌پرستان و مشرکین اطراف و اکناف آن به اسلام و سپس در غزوات رسول خدا (ص)، جنگ‌های حضرت علی (ع) و مسلمانان با امپراتوری روم و ایران، زنان متعهد و شجاع، نقش‌های مختلف، مستقیم و مؤثری در جبهه‌ها و نیز به طور غیرمستقیم نقش امداد و پشتیبانی و تدارک جبهه و جنگ و مجاهدان اسلام را عهده‌دار بودند که به ذکر و شرح مصادیق و نمونه‌ایی چند خواهیم پرداخت که هر یک در جای خود محل تأمل و عبرت در ارائه نمونه‌ها و اسوه‌های تاریخی است.

در غور و مطالعه تاریخ صدر اسلام به این نتیجه مهم می‌رسیم که رسول خدا (ص) برای زنان ارزش و اهمیتی والا و متناسب با شخصیت و خلقت آنان قائل شده و به هیچ وجه نقش سازنده و مشارکت سرنوشت‌ساز آنها

را در مسیر دعوت و نشر شرع میین اسلام نادیده نگرفته و حتی به مبارزه با مهمل شمردن نقش و حضور زنان در جامعه جاهلی آن دوره برخاسته و با حفظ حدود الهی همواره تأکید بر حضور فعال آنان در عرصه‌ها و صحنه‌های مختلف داشته است ولو اینکه ایفای نقش آنان منجر به حضور زنان در میادین نبرد گردد. در این نوشتار در دو بخش مجزا به نقش و مشارکت و حضور زنان در جنگ‌های صدر اسلام و سپس در هشت سال دفاع مقدس خواهیم پرداخت.

## نقش مستقیم و حضور زنان در جنگ‌های صدر اسلام

حدود فعالیت زنان و حضور مستقیم آنان در میادین نبرد یا با اجازه رسمی و قبلی پیامبر اسلام (ص) بود یا این که حضور آنان مورد تأیید قرار می‌گرفت و شواهدی نمی‌توان به دست آورد که حضرتش زنان مسلمان را از حضور در جبهه‌ها منع نماید و حتی بعد از حضور آنان در جبهه‌های نبرد و اطلاع ایشان آنها را برگرداند مگر در مواردی که با طعنه دشمنان مواجه می‌شد.

پیرامون حضور زنان در میادین نبرد به سه نمونه و واقعه مهم تاریخی به شرح ذیل اشاره می‌شود.

### غزوه احد

در جنگ سرنوشت‌ساز و هولناک احد که باعث تمیز و تشخیص مردان مرد از مردان سست عنصر و زبون گردید، شیر زنان نام‌آور و معروفی حضور داشته و مسئولیت‌های مختلفی نیز بر عهده داشتند که عبارتند از؛ نسیم بنت کعب معروف به ام عماره، سمیرا بنت قیس، ام عطیه انصاری، ام ایمن، هند بنت عمرو بن حزام (همسر عمرو بن جموح)، حسنه بنت جحش و تعدادی دیگر که مسئولیت‌های مختلف آب‌رسانی، پختن غذا و توزیع، رسانیدن مهمات تیر و نیزه و شمشیر به رزمندگان، تعمیر وسایل جنگی، نگهداری از اموال و اردوگاه، درمان مجروحین، ترغیب و تشجیع مجاهدان به ادامه نبرد و غیره که در حین نبرد و به هنگامه شکست و هزیمت مسلمانان نسیم به همراه فرزندان و قلیل مدافعان که جمعاً بیست نفر بودند و حضرت علی (ع) پیشاپیش آنان با جنگ و فداکاری بی‌مانندی خویشتن را سپر حضرت محمد (ص) قرار داده و حفاظت از جان حضرت را بر عهده داشتند و از طرفی با رجزها و فریادهای خویشتن نزدیکان و مسلمانان را به یاری حضرت طلبیده و فراریان را مذمت و نکوهش می‌کردند و نسیم در این جنگ بالغ بر ۱۲ زخم نیزه و تیر و شمشیر را به جان خرید و یکی از فرزندانش پیش رویش به شهادت رسید تا جان رسول خدا (ص) حفظ شود.

همچنین ام‌عطیه انصاری از زنان دلاور در این نبرد فداکاری‌ها کرد و مدام مسلمانان فراری را تشویق به بازگشت و ادامه نبرد می‌کرد. وی از جمله زنانی است که به خاطر حضور مداومش در جبهه‌های جنگ شهرت یافت و مورد لطف حضرت محمد (ص) بوده است.

نمونه روشن و گویاتر، حضور حضرت فاطمه زهرا (س) به همراه دیگر زنان مدینه همچون صفیه خواهر رشیده حضرت حمزه سیدالشهداء است که واقدی (مورخ معروف) در المفازی نقل کرده است: «محمد بن مسلمه با

۱۴ نفر از زنان مدینه به قصد میدان نبرد احد و یاری حضرت محمد (ص) خارج شدند که حضرت فاطمه (س) نیز با آنان بود در حالی که با پای پیاده آب و غذا بر پشت خود حمل می کردند و فاصله ۶ کیلومتری مدینه تا احد را طی می کردند تا این که به صحنه نبرد رسیده و به آب دادن تشنگان و مداوای مجروحین و تشجیع مسلمانان به مذمت فراریان پرداختند و حضرت زهرا (س) خون صورت پدر بزرگوارش را با آب سپری که حضرت علی می ریخت می شست و خون بند نمی آمد تا این که تکه حصیری بسوخت و خاکسترش بر زخمها گذاشت. آنگاه مسلمانان پس از مداوای اولیه مجروحین و سیراب نمودن تشنگان و تصمیم پیامبر خدا (ص) به تعقیب دشمنان، آهنگ بازگشت به شهر مدینه کردند».

زنان غیور و شجاع که مورخین عده آنان را در احد بیش از ۱۴ نفر ذکر کرده اند در جمع آوری و تخلیه شهداء به پشت جبهه، مراقبت و انتقال مجروحین و ادامه درمان آنان و وسایل و لوازم به شهر مدینه حضوری چشمگیری داشتند و با دادن روحیه به بازماندگان شهدا و ابراز وفاداری و خوشحالی از سلامت وجود مبارک رسول خدا (ص) و با وجود شهادت عزیزان خود صبر و مقاومت و ایثار زنان را به نمایش گذاشتند.

در بیان نمونه مهم تاریخی فوق، به صراحت چگونگی حضور زنان و نوع فعالیت های هر یک مشخص و حکایت از تعهد و مسئولیت پذیری و مشارکت آنان در پیشبرد اهداف و تعیین سرنوشت مسلمین دارد.

### حضور زنان در جنگ خیبر

حضرت رسول خدا (ص) در جنگ خیبر مطلع گشت عده ای از زنان شجاع و مؤمنه به سرپرستی «ام ابیه» در اردوگاه مسلمین حضور یافته اند. آنان را احضار و علت را جویا گردید پاسخ دادند به منظور مشارکت در جنگ و مساعدت مجاهدان راه خدا و معالجه مجروحین و سقاییت تشنگان آمده ایم. پیامبر خدا (ص) فرمودند: همچنان به خدمت خویش در مداوا و مراقبت مجروحین و آبرسانی و آشپزی و امداد مسلمین ادامه دهید.

در این جنگ نام بیش از ۲۳ نفر از زنان متعهد که خود را به اردوی مسلمانان رسانده و عهده دار در انجام وظایف مشخص شدند ذکر شده است از جمله، صفیه بنت عبدالمطلب خواهر شریف حمزه سیدالشهدا (ع)، ام ایمن از زنان بسیار شجاع که نامش زینت بخش تاریخ جنگ های زمان رسول الله (ص) است، ام عطیه انصاری علاقه شدیدی به شرکت در جنگها داشته و حداقل در هفت غزوه بزرگ شرکت کرده است. ام ابیه که ذکرش گذشت، ام عماره (نسیبه)، هند بنت عمرو بن حزام، سلمی کنیز پیامبر (ص)، امیه بنت قیس از زنان مهاجر و مؤمنه به اتفاق تنی چند از دیگر زنان بنی غفار، ام سنان اسلمیه از محبان اهل بیت عصمت و طهارت و شیرزنی با همت و شجاعت که به همراه زوجه شریف و بزرگوار رسول الله (ص) ام سلمه و دیگر زنان پارسا و متعهد در جنگ خیبر مسئولیت امور درمان و مراقبت از مجروحین و جمع آوری و رساندن مهمات به مجاهدان، نگهبانی و حراست از اردوگاه و اموال مسلمین و دادن روحیه و ترغیب و تشویق رزمندگان به ادامه نبرد بر دوش آن زنان فداکار و نام آور بوده است.



### حضور زنان در فتح مکه و جنگ حنین

در فتح مکه به ویژه جنگ سرنوشت‌ساز «حنین» نیز زنان غیرتمندی همچون نسیبه بنت کعب انصاری، ام عطیه انصاری، ام حادث انصاری که در شجاعت و اسب‌سواری و دلاوری معروف و با مردان و پهلوانان به نام برابری می‌کرد ام سلیم بنت ملحان به همراه شوهرش در حالی که باردار بود شمشیر بر کمر جهت دفاع از خود و زدن فراریان از جبهه حضور داشتند.

زنان مذکور در تنگنای نبرد و فرار مسلمین وظایف محوله را رها و خود را برای محافظت از وجود پیامبر اکرم (ص) به وی رسانیدند و نسیبه و ام حادث در پیشاوری حضرت، خویش را سپر بلا قرار داده و به دفع شر دشمنان می‌پرداخته و خود نیز زخمی شدند.

همان گونه که در ابتدا یادآوری شد، بیان و ذکر نمایاندن مصادیق و نمونه‌های بارز نقش مستقیم زنان در جنگ‌ها به وضوح حکایت از حضور فعال آنان در عرصه‌های نبرد می‌نماید که در این نوشتار جهت یادآوری و ترسیم به اسوه‌ها و الگوهای چند اشاره شد و گرچه متون تاریخی اسلام مملو از موارد و نمونه‌های متعدد دیگر است که علاوه بر جنگ‌های با حضور پیامبر اکرم (ص) در جنگ‌های بعد از رحلت رسول (ص) با ایرانیان و رومیان به طور مستقیم و نیز به صورت پشتیبانی و امداد مجاهدان مشارکت داشته‌اند همانند ام ابان بن عتبه محب عترت و شیعه علی (ع) که در جنگ با رومیان چند تن از دشمن را به خاک و خون کشید و ام حکیم که در جنگ «مرج الصفر» پس از شهادت شوهرش جامه به خود پیچید و با عمود آهنین هفت نفر را از پای

در آورد و سرانجام خود نیز شهید شد و یا «جویره» دختر ابی سفیان که در جنگ یرموک با عمودی آهنین به دشمن یورش برده نه نفر را به خاک و خون کشید.

همچنین شرکت زنان با صلابت و فداکاری چون بکاره هلالیه - زرفاء دختر عدی - سوده دختر عماره - عکرشه بنت اطرش و ام الخیر در جنگ صفین با تقبل وظایف و مسئولیت‌های داوطلبانه، قابل توجه و درنگ می‌باشد و هم آنان بودند که با بطق‌های آتشین و خطابه‌های مهیج یاران علی (ع) و مسلمانان را تحریک به ادامه نبرد و عدم سستی و تزلزل اراده و نیز تشجیع و تهییج می‌نمودند که بسیار نیز مؤثر می‌افتاد به نحوی که معاویه کینه آنان را به دل گرفته و بعدها آنان را به شام احضار و از این بابت مذمت می‌نمود که آنان در این جبهه نیز با جرأت و شجاعت تمام و وفاداری بر ادامه راه مولایشان علی (ع) را به حاکم مستبد جهان اسلام اعلام نمودند.

از مصادیق بارز دیگر نمایش ایمان و تعهد و شجاعت زنان، همراهی و همدلی‌ام عمرو بن جناده که در حادثه سیاسی کربلا به همراه محارم و خاندان عصمت و طهارت و دیگر زنان با شوهر خویش است. در یاری امام حسین (ع) وی پس از شهادت شوهرش جناده فرزند نوجوان خود را به نام عمرو به میدان فرستاد و او هم به فوز شهادت نایل آمد و دشمن سر بریده او را به سوی خیمه مادرش پرتاب نمود. وی سر مبارک را به سینه چسباند و فرمود آفرین بر تو پسرم، آنگاه عمود خیمه بر کشید و به دشمن هجوم برد و دو نفر را کشت تا حضرت اباعبدالله الحسین (ع) او را به خیمه بازگرداند و در پایان حضور بسیار مؤثر و سرنوشت‌ساز و مشارکت حماسی و دوشادوش حضرت زینب کبری (س) به همراه سیدالشهداء امام حسین (ع) در واقع بی‌نظیر و حماسه جاودان کربلا و عاشورا را به عنوان گویاترین و قوی‌ترین حضور زن مسلمان و متعهد در صحنه‌های حق و باطل و جلوه‌های نور و ظلمت و عرصه‌های مقاومت و ایثار تا شهادت و پاسداری از حریم نبوت و اهل بیت (ع) و پرستاری از کودکان یتیم و پذیرش رنج اسارت و شماتت دشمن و بردباری و صبر و روشنگری و ابلاغ پیام شهادت و آگاهی عموم بر جنایات دشمن و اعتراف آنان به خطا و اشتباهات جبران ناپذیرشان در تنها گذاشتن امام حسین (ع) با وجود بستن عهد و پیمانها و سرانجام پیروزی حقیقی جبهه حق و زبونی و خواری یزید و یزیدیان و ... پس از شهادت را به اتفاق جمیع مورخین اسلامی جهان باید نام برد.

### مشارکت زنان فداکار در امداد و پشتیبانی‌های جنگ‌های صدر اسلام

در این قسمت به نمونه فعالیت‌ها و مشارکت‌های زنان صدر اسلام در امور کمک‌رسانی و پشتیبانی‌های پشت جبهه اشاره می‌شود و به اجماع نوع مشارکت و فعالیت آنان به شرح ذیل بیان می‌شود.

#### مسئولیت بهداری رزمی

واگذاری خیمه درمان و جراحی مجروحین جنگ یا به عبارتی مسئولیت بهداری رزمی به بانوی شجاع و مومنه بنام رفیده در جنگ خندق و محاصره شهر مدینه توسط رسول خدا (ص) که در مسجدالنبی چادر بهداری دایر و به مداوا و مراقبت و همچنین جراح مجروحین جنگی به کمک زنان جراحی چون نسیمه جراحه می‌پرداختند.



در همین چادر و خیمه بهداری رزمی سعد بن معاذ صحابی بزرگ به مدت ۲۰ روز تحت نظر و درمان و مداوا قرار گرفت تا سرانجام به فوز شهادت نایل آمد.

### تشویق مردان به جنگ

تشویق و ترغیب مردان به شرکت در جنگ‌ها و تجهیز و اعزام داوطلبانه مسلمانان به جبهه‌های جنگ به ویژه جنگ‌های احد و خیبر و فتح مکه که زنان شجاع و مؤمنه نقش مهمی را در ترغیب و تهییج مردان در شتافتن به اردوگاه جنگ ایفا می‌نمودند و همچنین جهت یادآوری به دو نمونه آن در شکل‌گیری حماسه عاشورا اشاره می‌گردد؛ آن نقش شجاع زهیر بن قین بنام دلهم در ترغیب و آماده‌سازی فکری شوهر خویش در پذیرش پیام حضرت سیدالشهداء(ع) و سپس پیوستن به اردوی عاشورائیان و کسب افتخار سرداری و علمداری یکی از جناحین اردوی حسین(ع) و نایل آمدن به درجه رفیع شهادت و دیگری نقش همسر حبیب بن مظاهر در رفع تردید حبیب به حرکت از کوفه و پیوستن به صفوف مجاهدان حق علیه باطل است.

### کمک‌های نقدی به جبهه‌های جنگ

جنگ تبوک نمونه و شاهد گویا در این مطلب است زیرا از جهاتی چون دوری مسافت و سختی و مشکلات فراوان راه و مهمتر از همه در دور افتاده‌ترین سرزمین مسلمین و در خاک دشمن و پس از گذاشتن از بیابان‌های خشک و سهمگین و رویارویی با امپراتوری بزرگ روم آن هم بدون یک عقبه پشتیبان در دسترس ایجاب می‌کرد که مسلمین با تجهیزات و تسهیلات و آذوقه لازم و بیشتری عزم جهاد با کفار و مشرکین را می‌نمودند. به همین جهت ستادی جهت جمع‌آوری و کمک‌های نقدی و جنسی در مسجدالنبی تشکیل شد. زنان در این مهم سنگ تمام گذاشتند و هر آنچه از زیورآلات و گردنبند و دستبند و خلخال و گوشواره و انگشتری و ... دیگر کمک‌های نقدی و جنسی را که داشتند در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم مراد و رهبر محبوب خویش رسول‌الله (ص) کرده و مجاهدان را با پشتوانه‌ای قوی و توشه‌ای مکفی روانه نبرد با دشمنان خدا کردند.

در صدر اسلام ذکر نمونه‌هایی این چنین فراوان و بسیار است و به جهت رعایت اختصار به یک مورد دیگر اشاره می‌شود و آن نمونه تاریخی و معروف اهدا گیسوان یکی از زنان مؤمنه به ابوقدومه به نیت گذاشتن آنها در رکاب و کسب ثواب شرکت آن در جنگ احد است.

- پشتیبانی و امداد جبهه‌های جنگ با تهیه و تدارک و ارسال دارو و البسه و مواد خوراکی و دیگر مایحتاج جبهه‌ها آن.

- دادن روحیه به خانواده‌های شهدا و مجروحین یا سرکشی به خانواده‌ها و رسیدگی به امور روزمره زندگی آنان.

- نمایش مراتب صبر و شکیبایی خانواده‌های شهدا و مجروحین در قبال مصیبت‌های ظاهری که به آنان می‌رسید و اعلام آمادگی برای ادامه راه آنان که باعث خشنودی ارواح پاک شهدا و مقاومت مسلمین می‌شد صبر و تحمل زنانی چون سیمیرا بنت قدیس بن دیناری در شهادت دو فرزندش، شکیبایی مادر و خواهر حارث بن سراقه که در جنگ بدر به شهادت رسید صبر و شکیبایی صفیه خواهر شجاع حضرت حمزه سیدالشهداء(ع).

و همچنین تحمل و بردباری البسه بنت عدی در شهادت فرزندش در احد، هند بنت عمرو بن حزام در شهادت برادر و پسر و شوهر، ام عماره (نسیبه) در شهادت شوی و یک پسرش در احد، استقبال مادر سعد بن معاذ از شهادت فرزندش، رضایت همسر جعفر بن ابیطالب از رسول خدا (ص) در عیادت فرزندان جعفر، صبوری فاطمه کلابیه (ام البنین) در شهادت فرزندان رشیدش در کربلا.

زمانی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از اسلام آوردن مشرکان مایوس گردید به فکر هدایت سایر قبایل در شهرهای مختلف افتاد. از جمله این شهرها یثرب بود که در موسم حج در محلی به نام «عقبه» گروهی از مردم یثرب با پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیعت نمودند. سال بعد در همین نقطه گروه ۱۲ نفری دیگری از مردم مدینه با پیامبر بیعت کردند، این بیعت، «بیعت زنان» خوانده شد. این بیعت آنان را به اموری متعهد می ساخت از جمله:

برای خدا شریک نگیرند، دزدی نکنند، زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افترا به کسی نیندند، در نیکی ها از فرمان پیامبر سرپیچی نکنند و در صورت عمل به این تعهدات آنان سزاوار بهشتند و خداوند به بیعت شکنان کیفر می دهد.

سال بعد یک گروه ۷۳ نفر که توسط دو گروه قبلی مسلمان شده بودند و در میانشان دو زن نیز بود، با پیامبر بیعت کردند. این بیعت به بیعت عقبه دوم معروف گردید. آنان متعهد می شدند از پیامبر دفاع کرده و از بذل جان و مال در راه اسلام دریغ نورزند.

از جمله بیعت های دیگر، بیعت شجره است که در زیر درختی انجام گردید. قرآن می فرماید:

«خداوند از مؤمنان که در زیر درخت، با تو بیعت کردند، راضی شد. او دانست که در دل های ایشان چیست و بر آن ها آرامش نازل کرد و فتوحی نزدیک و غنیمت های بسیار برای آن ها مقرر داشت و خداوند عزیز و حکیم است.»

در این بیعت مردان، زنان نیز حضور داشتند. بیعت دیگر، بیعتی بود که در روز فتح مکه در «صفا» با تازه مسلمانان انجام گرفت. پس از بیعت با مردان، پیامبر با زنان نیز بیعت کرد، خداوند می فرماید: (یا ایها النبی اذ جائک المؤمنات یتابعنک علی ان لا یشرکن بالله شیئا و لا یسرقن و لا یزنین و لا یقتلن اولادهنّ و لا یأتین بیهتان یفترینه بین ایدیهنّ و ارجلهنّ و لا یعصینک فی معروف فبایعهن و استغفر لهنّ الله ان الله غفور رحیم).

«ای پیامبر! هرگاه زنان با ایمان پیش تو آیند که با تو بیعت کنند که برای خدا شریک نگیرند و دزدی نکنند و فرزندان خود را نکشند و بهتانی نبندند و تو را معصیت نکنند، با آن ها بیعت کن و برای آن ها از خداوند طلب آموزش کن، که خداوند آمرزگار و رحیم است.»

شیوه پیامبر در بیعت گرفتن از زنان با مردان فرق داشت. پیامبر با دست در دست گذاشتن مردان از آنان بیعت می گرفت اما در مورد زنان این گونه نبود. بنا بر روایتی، پیامبر دست خود را در ظرف آبی فرو می برد و سپس زن ها هم دست خود را در آب فرو می بردند.

### زنان بیعت کننده با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

از جمله زنانی که با پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیعت نمود، «امیمه» خواهر زاده حضرت خدیجه - همسر پیامبر - بود. مادرش «دقیقه» دختر خویلد و خواهر حضرت خدیجه و پدرش «یخاذ» بود. امیمه از افرادی است که جریان بیعت پیامبر با زنان را این گونه بیان می کند: در میان زنان، به منظور بیعت با رهبر گرانقدر اسلام به پیشگاه مقدسش راه یافتیم. عرضه داشتیم: با تو بیعت می کنیم که برای خدا شریک نگیریم، دزدی نکنیم، زنا نکنیم، فرزندانمان را نکشیم، تهمت نزنیم، از فرمان تو سرپیچی نکنیم.

پیامبر فرمود: تا آن جا که قدرت داشته باشید و از عهده برآیید. گفتیم: خدا و پیامبر از خود ما به ما مهربان تر هستند بیا تا با تو بیعت کنیم. فرمود: من به زنان دست نمی دهم. آن گاه ظرف آبی آورده شد.

بعدها معاویه این بانوی قهرمان را از مدینه بیرون کرد، و وی را از موطن عزیزش که به شدت مورد علاقه اش بود، محروم ساخت و او را به شام فرستاد.

از زنان دیگر که با پیامبر بیعت کرد، ام کلثوم دختر عقبه بن ابی معیط بود که با پیامبر در اوایل بعثت بیعت کرد و اسلام آورد و به سوی دو قبله نماز گزارد و سپس به مدینه مهاجرت کرد. زنان دیگری هم بودند از جمله: حمنه دختر عمه رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، سهله دختر مدحان، ام شریک دختر جابر بن حکیم، ام کلثوم خواهر حق جوی عمرو بن عبدود... که به دلیل طولانی شدن بحث از آوردن نام آن ها خودداری می کنیم.

### زنان مؤثر در اسلام آوردن مردان

فاطمه همسر سعید بن زید و خواهر عمر بن خطاب کسی بود که با همسرش از همان آغازی که خورشید اسلام درخشیدن گرفت، اسلام آورد و در راه اسلام نیز بسیار ثابت قدم بود. از جمله زنان با شهامت که تاریخ صدر اسلام از او به نیکی یاد کرده است «سهله دختر ملحان» است که کنیه اش «ام سلیم» بود. وی در دوره جاهلیت با مردی به نام «مالک» ازدواج کرد و دارای پسری به نام «انس» گردید. پس از بعثت پیامبر، اسلام اختیار کرد. سپس شوهرش را نیز به اسلام آوردن تشویق نمود و مالک نیز مسلمان گردید. پدر مالک به سهله

اعتراض کرد که فرزندمان را فاسد نساز. اما سهله پاسخ داد که او را فاسد نکرده ام. پس از چندی مالک به دست یکی از دشمنان به قتل رسید. سهله هم به واسطه وفاداری به شوهر خود، بیان کرد که تا فرزند بزرگ نشده، ازدواج نمی کند. و با وجود خواستگاران بسیار به عهد خود وفا کرد و ازدواج نکرد.

پس از بلوغ فرزندش مردی به نام ابو طلحه که هنوز مشرک بود، به خواستگاری اش رفت، سهله به او گفت: «تو سنگی را می پرستی که برای تو سود و زیانی ندارد یا بر چوبی سجده می کنی که ساخته دست یک نجار است و از این کار چه فایده ای می بری؟». این جمله کار خود را کرد و چون از دل برخاسته بود بر دل ابوطلحه نشست. سهله اسلام ابوطلحه را مهریه خود دانست و ابو طلحه مسلمان گردید. پیامبر گرامی اسلام بسیار به خانه وی رفت و آمد می کرد.

سهله از همسر دومش هم پسری به نام عبدالله به دنیا آورد، که بیمار شده و از دنیا رفت. وقتی طلحه به خانه بازگشت، سهله به او گفت که اگر همسایه امانتی بدهد و پس بگیرد آیا باید گریه و زاری به راه انداخت؟ ابو طلحه گفت: نه، سهله گفت: خداوند به ما فرزندی به امانت داده بود که او را پس گرفت. ابو طلحه نزد پیامبر رفت و ماجرا را بیان کرد. پیامبر هم در حق آن دو دعای خیر فرمود. سهله دوباره بچه دار گردید. بچه را برای تبرک نزد پیامبر فرستادند. پیامبر طفل را عبدالله نام نهاد و وی را برادر خود خطاب کرد و سهله را مادر خود نامید. از همین طفل هفت پسر که همگی قاری قرآن شدند به وجود آمد.

سهله در حالی که باردار بود در جنگ حنین با پیامبر شرکت کرد. او به سیراب کردن تشنگان و پرستاری از مجروحان، پرداخت. وی همراه خود خنجرى داشت. ابو طلحه به پیامبر عرض کرد: یا رسول الله ام سلیم (سهله) با خود خنجرى برداشته است! پیامبر فرمود: برداشته است تا اگر مشرکی به من نزدیک شد، شکمش را بدرد. پیامبر سهله را همواره مورد محبت قرار می داد.

## زنان شکنجه شده در راه اسلام

از اولین زنان شکنجه شده در راه اسلام سمیه همسر یاسر و مادر وی بود که پس از آن که دلهاشان به نور ایمان روشن گردید مورد شکنجه و آزار مشرکان مکه واقع شدند و به شهادت رسیدند.

از زنان دیگری که در راه اسلام شکنجه و سختی زیادی را متحمل گردیدند، زینب دختر رسول خداست. خدیجه کبری سه دختر به نام های زینب، رقیه و ام کلثوم - غیر از فاطمه زهرا (سلام الله علیها) - داشت. ام کلثوم و رقیه قبل از اسلام، به همسری عتبه و متعب پسران ابولهب، عموی پیامبر و زینب به همسری خواهر زاده خدیجه ابوالعاص درآمد.

پس از آن که پیامبر به نبوت برگزیده شد و مشرکان نتوانستند با خدعه و نیرنگ های فراوان، پیامبر را از هدف مقدسش منصرف سازند، پسران ابولهب؛ عتبه و متعب دو دختر پیامبر را طلاق داده تا پیامبر را به اداره امور آنان گرفتار ساخته و از راه نشر اسلام باز دارند. همین پیشنهاد را به ابوالعاص همسر زینب کردند ولی

وی از آن سرباز زد. سال ها بعد ابوالعاص در جنگی به اسارت مسلمین درآمد و زینب برای نجات همسرش، گردنبنندی که مادرش به او هدیه داده بود برای پدرش فرستاد. پیامبر از مسلمین خواست تا ابوالعاص را آزاد کنند و مسلمین هم پذیرفتند. پیامبر از ابوالعاص خواست که چون زینب مسلمان شده وی را به نزد پدر برگرداند. ابوالعاص هم پذیرفت.

به خواست ابوالعاص برادر شوهر زینب، «کنانه» افسار شتر وی را گرفت و به سوی مدینه رهسپار گردید. وقتی خبر خروج زینب از مکه پخش گردید گروهی به تعقیب زینب پرداختند و در مکانی به نام «ذی طوی» به او رسیدند. هبار بن اسود نیزه ای بر بدن زینب فرود آورد که طفلی که در شکمش بود، سقط گردید. در این زمان کنانه (برادر شوهر زینب) آنان را تهدید به مرگ کرد. آنان هم متفرق شدند. سپس ابوسفیان و همراهانش به سوی کنانه آمدند و از او خواستند که تو زینب را به شهر برگرداند، تا مردم فکر نکنند که قریش ناتوان شده است. آنان از وی خواستند که چندی بعد زینب را از مکه خارج سازد. کنانه نیز پذیرفت و زینب را برگرداند. پس از مدتی ابوالعاص کاروانی تجاری که اموال آن متعلق به مردم مکه بود به راه انداخت؛ اما به دست مسلمانان افتاد. پیامبر از مسلمین خواست تا اموال را برگردانند و ابوالعاص که توسط زینب مخفی شده بود آن اموال را به مکه برگرداند و پس از آن مسلمان گردید. سپس به مدینه آمد و پیامبر مجدداً زینب را به عقد او درآورد.

از زنان دیگری که در راه اسلام شکنجه شدند؛ ام شریک دختر جابر بن حکیم بود. همسرش که در مکه مسلمان شده بود به مدینه نزد پیامبر رفت و ام شریک که مسلمان شده بود در مکه ماند. برخی علت ماندن ام شریک در مکه را تماس مخفیانه ام شریک با زنان مکه برای مسلمان کردن آنان می دانند. سرانجام خویشان مشرک شوهرش نزد وی آمدند و وقتی فهمیدند که ام شریک هم مسلمان شده او را بر شتری بدخو سوار کردند و به بیابان بردند. آنان به او نان و عسل می دادند تا تشنه شود، ولی آب نمی دادند. شدت حرارت خورشید و تشنگی تاب و توان را از او ربوده بود. وی سه شبانه روز تحت شکنجه توانفرسای آنان بود. به تدریج چشم و گوش و سایر حواس او از کار افتاد و در آستانه مرگ قرار گرفت. روز سوم از او خواستند که از دینش دست بردارد، وی نپذیرفت، و در همان حال ناتوانی با دست به آسمان اشاره کرد که دست از پرستش خدا بر نمی دارد. اما از آن جا که خداوند بندگانش را تنها نمی گذارد، با امدادهای غیبی به کمکشان می شتابد. وی خود می گوید:

هنگامی که دیگر رمقی نداشتم احساس کردم سینه ام خنک شده، چشمم را باز کردم دیدم که مشک آبی بر روی سینه ام هست، کمی نوشیدم اما مشک از من دور شد و بین زمین و آسمان معلق ماند، سپس دوباره نزدیک شد و من نوشیدم، دوباره مشک بین زمین و آسمان قرار گرفت. بار سوم هم همین گونه شد و مقداری روی لباس خود ریختم. هنگامی که خویشان شوهرم مرا دیدند، گفتند: ای دشمن خدا آب را از کجا آورده ای؟ گفتم: دشمن خدا دیگرانند. خداوند آب را برای نجات من فرستاد. آنان وقتی این صحنه را دیدند و این که مشک های خودشان پر از آب بود و این مشک، مشک دیگری بود، تعجب کردند و گفتند: گواهی می دهیم که خدای تو خدای ماست که تو را از شر ما حفظ کرد.

این امداد غیبی نه تنها ام شریک را از مرگ نجات داد، بلکه موجب مسلمان شدن آن افراد نیز گردید و آنان همواره به این دلیل ممنون این بانوی بزرگوار بودند. ام شریک از جمله زنانی بود که خود را به پیامبر بخشید. قرآن می فرماید: «ای پیامبر بر تو حلال کردیم زن هایی که مهرشان را داده ای و آن هایی که مالکشان هستی؛ از آن هایی که خداوند غنیمت تو کرده و دختر عموها و دختر عمه ها و دختر دایی ها و دختر خاله ها [که با تو مهاجرت کردند] و زن مؤمنی که خود را به پیامبر بخشد، اگر پیامبر بخواهد که با او ازدواج کند. چنین زنی اختصاص به تو دارد نه مؤمنان...!»

روایتی از امام سجاد (علیه السلام) است که منظور از زنی که خود را به پیامبر می بخشد همین ام شریک است.

### مادران شهید راه اسلام

خیلی از افرادی که در جنگ های صدر اسلام به شهادت رسیدند مادرانی داشتند که در قید حیات بودند و مسلمان بوده اند.

زنان زیادی در راه اسلام و در طول جنگ های پیامبر، شوهر، همسر و فرزندان خود را از دست دادند و در بسیاری از موارد خود تهییج کننده آنان برای جنگ با کفار بودند و شهادت آنان هیچ خللی در ایمانشان ایجاد نکرد. از جمله این افراد خنساء بود که چهار فرزندش را در جنگ قادسیه از دست داد. هنگامی که خبر شهادت آنان را به این مادر گرامی که خود تهییج و تشویق کننده فرزندانشان برای جنگ و قتال بود، دادند گفت: «خدای را سپاسگزارم که مرا به قتل آنان شرف بخشید. امیدوارم که خداوند مرا در بهشت خود با آنان جمع کند.»

از زنان دیگری که در راه اسلام کشته داد «حمنه» دختر عمه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود. وی همسر مصعب بن عمیر بود. این زوج در راه پیشرفت اسلام مبارزه و فداکاری بسیاری نمودند. آنان در جنگ احد حضور داشتند.

حمنه در این جنگ، عهده دار پرستاری از بیماران و پانسمان مجروحین بود. پس از جنگ پیامبر خبر شهادت برادرش عبدالله را به او داد. حمنه کلمه استرجاع را گفت و از خدا طلب رحمت کرد. بار دیگر پیامبر فرمود: حمزه دایی عزیزت نیز در راه خدا کشته شد. حمنه دوباره همان جواب را داد. سپس پیامبر خبر شهادت مصعب همسرش را به او داد. حمنه گفت: چه جنگ سختی بود. پیامبر فرمود: مردان را در دل زنان مقام و منزلتی است و زن ها خود را از ایشان جدا نمی دانند. سپس فرمود: چرا درباره مصعب سخنی گفتی که درباره عبدالله و حمزه نگفتی؟ عرض کرد: به یاد یتیمی فرزندانش افتادم.

این بانو در جنگ های دیگری چون خیبر نیز شرکت داشت.



### زنان پرستار در جنگ های پیامبر

از جمله زنانی که در جنگ ها یاری گر حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) بودند و نقش پرستاری از مجروحین و آب رسانی به آنان و سایر سربازان اسلام را داشتند، می توان از حمنه، سهله، ام سلمه همسر پیامبر و... را نام برد.

یکی از این زنان که شاید نام کمتری از او برده شده زنی بود به نام «ام سنان اسلمی». وی در حالی که بسیاری از مردان از شرکت در جنگ خودداری می کردند با داشتن مال بسیار مبادرت به شرکت در این فریضه مهم می کرد. در جنگ پیامبر با یهودیان خیبر، خود این زن به پیامبر پیشنهاد کرد تا در کنار پیامبر بجنگد. اما پیامبر از او خواست که برای پرستاری در کنار همسرش ام سلمه باشد. وی احادیث بسیاری از پیامبر نقل کرده است.

از جمله زنان دیگر پرستار در جنگ می توان از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نام برد که از شیوه های نوینی در بستن زخم مجروحین مثل استفاده از خاکستر آتش برای ضد عفونی کردن زخم و... استفاده می کردند.

از زنان دیگر می توان از «امیه» دختر قیس غفاری یاد کرد که در سن ۱۴ سالگی به اسلام گروید و در جنگ خیبر که ۱۷ سال داشت شرکت کرد. پیامبر خدا به او در جنگ وظایفی محول کرد که وی به خوبی آنها را انجام می داد. به همین دلیل پیامبر جایزه ای به او اهدا کرد که گردنبندی بود که امیه تا زمان مرگ آن را از خود جدا نکرد و وصیت کرد که آن را به همراهش دفن کنند.

از زنان دیگر پرستار در جنگ «کعبیه دختر سعید اسلمی» بود که در غیر از جنگ هم به پرستاری مجروحین مشغول بود. برای او در مسجد خیمه ای برافراشته بودند که به درمان مجروحان بپردازد. وی از پرستاران سعد بن معاذ بود. کعبیه با وجود امکانات ناچیز، زخم های مجروحین را پانسمان و به ساختن داروهای ساده مبادرت می کرد و خدمات بهداشتی چشمگیری انجام می داد. در جنگ خیبر هم در رکاب پیامبر، انجام وظیفه کرد. پیامبر نیز از غنایم، به او سهمی برابر یک سرباز جنگی داد.

### زنان شاعر دوران پیامبر (صلی الله علیه و آله)

از شاعران زن دوران پیامبر می توان به «خَنَسَاء» اشاره کرد. از پیامبر پرسیدند: شاعرترین، سخی ترین و دلیرترین مردم کدامند؟ پیامبر فرمود: «شاعرترین مردم، خَنَسَاء؛ سخی ترین مردم، محمد (صلی الله علیه و آله) و دلیرترین مردم؛ علی بن ابی طالب است». این سخن پیامبر نشان دهنده تبخّر خنساء در شعر و شاعری است. وی همان طور که گفته شد چهار پسر داشت که همه در جنگ قادسیه کشته شدند.

از زنان شاعر دیگر «کبیشه» مادر سعد بن معاذ بود که در مرگ فرزندش -در جنگ خندق- نوحه سرایی می کرد و اشعار سوزناک می سرود.

بسیاری در مرگ سعد مبالغه و گزافه می گفتند. اما پیامبر فرمود: هر نوحه سرایی دروغ می گوید به جز مادر سعد بن معاذ.

از زنان شاعر دیگر ام کلثوم خواهر حق طلب عمروبن عبدود بود که برادرش در جنگ خندق، به دست توانای امیر مؤمنان علی (علیه السلام) کشته شد. وقتی خبر مرگ برادر به خواهرش رسید، از قاتل وی سؤال کرد. وقتی فهمید که علی (علیه السلام) قاتل برادرش است، گفت: این افتخار برای برادر و همه خانواده اش بس که به دست مردی بزرگوار و عالی مقام کشته شده است. وی زنی شاعر و اهل ادب بود و اشعار زیادی در مرگ برادر سرود. در این اشعار به تجلیل از شخصیت علی (علیه السلام) به عنوان قاتل برادر هم مبادرت شده است. ترجمه یکی از اشعار او این است: «اگر کسی غیر از علی قاتل عمرو بود بر مرگش همیشه گریه می کردم».

ولی قاتل او کسی است که از هر عیبی منزّه است و پدر او بزرگ و سرور شهر خوانده می شد.

او از نوادگان هاشم است و مسند عظمت او در آسمان جای دارد.



مردمی که این عظمت را نمی توانند تحمل کنند از حسد بمیرند! این ها خانواده ای هستند که خداوند بزرگ تمام فضایل دین و دنیوی را به آن ها بخشیده است...»

هنگامی که این اشعار برای پیامبر خوانده شد، پیامبر فهمید که وی زنی است خردمند و متمایل به اسلام. پیامبر، وی را به اسلام دعوت کرد، ام کلثوم پذیرفت و بقیه عمر را به دینداری گذراند. از زنان دیگر؛ شیما، خواهر رضاعی پیامبر بود که در طفولیت همچون دایه کوچکی در کنار مادرش از پیامبر مراقبت می کرد.

منابع:

۱	کتاب نقش زنان در جنگ	ص ۲۲
۲	ابن سعد - طبقات	ج ۸ - ص ۴۲۵
۳	واقدی - مغازی	ج ۱ - ص ۲۴۹
۴	بخاری - صحیح	ج ۱۲ - ص ۱۵۳
۵	طبقات الکبری	ج ۸ - ص ۴۴۵